

## جایگاه بزه‌دیده در مرحله تحقیقات مقدماتی

شهرام ابراهیمی<sup>۱\*</sup>، حمید رئوفیان‌نائینی<sup>۲</sup>

۱. (نویسنده‌ی مسئول)، استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز  
۲. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی  
(واحد نجف‌آباد)

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۲۵ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۰۶/۲۶)

### چکیده

تکریم بزه‌دیده در نظام دادرسی اتهامی و تضعیف و فراموشی آن در نظام تفتیشی و امروزه تلقی آن به عنوان یک ضلع مقدس مثلث جرم، از جمله تحولات جایگاهی است که بزه‌دیده در فرایند دادرسی کیفری به خود دیده است. ضرورت‌های دادرسی عادلانه به سهم خود موجب تولد و استحکام حقوق بنیادی طرفین دعوی کیفری در این فرایند گردید، هر چند این رشد و توسعه نسبت به بزه‌دیده چندان سریع و آسان نبود. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، بر اساس یک منطق موجه، رئوس کلی دادرسی عادلانه را در فصل اول خود و طی مواد ۲ تا ۷ مطرح و ضمن همین مواد و نیز در ادامه از جمله در مرحله تحقیقات مقدماتی، حقوق مختلف بزه‌دیده را به رسمیت شناخت و تضمینات مناسبی برای آن پیش‌بینی نمود. دسته‌بندی و تحلیل این حقوق در مرحله تحقیقات مقدماتی موضوع مقاله حاضر را تشکیل داده است.

کلیدواژگان: بزه‌دیده، حقوق بزه‌دیده، فرایند کیفری، تحقیقات مقدماتی

## مقدمه

بحث جایگاه بزه‌دیده در آیین دادرسی کیفری و حقوق وی، از حدود دهه هشتاد میلادی به‌طور جدی مطرح و تاکنون نیز ادامه دارد. افزایش توجه به این مقوله موجب شده است، برخی از عدم تعادل بین حقوق بزه‌دیده و بزه‌کار و سنگینی کفه ترازو به سمت بزه‌دیده صحبت می‌کنند. به عنوان مثال، ماده مقدماتی قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه که متضمن اصول راهبردی آیین دادرسی کیفری است، نمادین و حتی قبل از پرداختن به اصل برائت مقرر داشته است مقام قضایی پاسدار تضمینات حقوق بزه‌دیده و اطلاع وی از آن در تمام فرایند آیین دادرسی خواهد بود (Lazerges, 2008, p. 17).

اینکه واقعاً بزه‌دیده از چه حقوقی برخوردار است؟ سیاست دولت در این زمینه چیست؟ وضعیت در دیگر نظام‌های حقوقی به چه صورت است؟ سوالاتی است که باید به آن‌ها پاسخ داد. در نظام حقوقی انگلوساکسون، از جمله کشورهای انگلیس، آمریکا و کانادا نقش بزه‌دیده در حد شاهد بوده و وی صرفاً می‌تواند، بدون اینکه عنوان طرف دعوی به خود بگیرد، دلایل خود را به مرجع صالح ارائه کند. طرفداران این نظام معتقدند اعطای عنوان طرف دعوی تعادل پروسه را بر هم زده و موجب اطاله دادرسی می‌گردد.

تا قبل از اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی سال ۱۹۹۸، آیین دادرسی کیفری بین‌المللی نیز ملهم از همین نظام بود. به عنوان مثال در تاسیس دادگاه‌های نظامی نورمبرگ و توکیو در سال ۱۹۴۵، بزه‌دیده کاملاً فراموش شده بود و جایگاه خاصی نداشت. لذا طبیعتاً از حق جبران خسارت نیز برخوردار نبود.

در دهه ۹۰، دادگاه‌های ad hoc نیز جایگاهی برای بزه‌دیده قائل نشدند. مقدمه قطعنامه تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق نیز اگرچه به بزه‌دیده اشاره کرد لیکن چون هدف آن سرکوبگری کیفری بود، در ارتباط با جایگاه بزه‌دیده از حد شاهد فراتر نرفت. لذا تا قبل از اساسنامه ۱۹۹۸ دیوان کیفری بین‌المللی، بزه‌دیده به‌طور فعال در فرایند دادرسی شرکت نداشت و طبیعتاً حق جبران خسارت نیز نداشت (Natacha Bracq, Analyse comparée de la participation des victimes devant la Cour Pénale Internationale et devant les juridictions pénales des pays de tradition romano-germanique, La Revue des droits de l'homme [En ligne], 4 | 2013.p2).

هرچند در نظام رومی-ژرمنی و از جمله در حقوق کیفری فرانسه، بلژیک، ایتالیا، اسپانیا و آلمان، بزه‌دیده به عنوان یک طرف دعوا دارای حقوق و در فرایند نیز حضور فعال دارد، اما گونه‌های مختلف این حقوق کدام است؟ انعکاس آن در حقوق ایران و به طور خاص قانون آیین دادرسی به چه شکل است؟

### ۱. گونه‌شناسی حقوق بزه‌دیده

در خصوص گونه‌شناسی حقوق بزه‌دیدگان، تقسیم‌بندی‌های گوناگونی پیشنهاد و مورد بررسی قرار گرفته است. استاد کاریو از پیشگامان جنبش حمایت از بزه‌دیده در حقوق فرانسه، حقوق بزه‌دیدگان را تحت عنوان عدالت برای بزه‌دیده در سه بخش مطرح کرده‌اند که تقریباً همه‌ی حقوق و جنبه‌های حمایت از بزه‌دیده را شامل می‌شود. یعنی حقوقی که قابل مطالبه بوده و آثاری بر آن مترتب می‌گردد: «حق بزه‌دیده بر شناسایی بزه‌دیدگی او توسط جامعه»، «حق بزه‌دیده بر همراهی و حمایت» و سرانجام «حق بزه‌دیده بر ترمیم و جبران خسارت». با این وجود به صورت کلی می‌توان به گونه‌های زیر در راستای حقوق قربانی اشاره کرد.

حق بر اطلاع، به طور کلی در راستای تأمین حقوق بزه‌دیدگان، قبل از هر اقدام باید تدابیری اتخاذ شود تا بزه‌دیده از زمان اولین تماس و نیز در تماس‌های بعدی با کنش‌گران نظام عدالت کیفری، به‌خوبی متوجه جملات و اصطلاحات حقوقی مرتبط با خود گردد. پس از طرح شکایت بلافاصله از اقدام صورت گرفته مطلع شود، توجیه شود از چه حقوقی برخوردار است، نهادهای حمایتی کدام‌اند، مساعدت‌های پزشکی از چه طریقی قابل دریافت است، برای دریافت مشاوره‌های حقوقی از طریق وکلای معاضدتی چه زمانی و به چه سازمان‌هایی باید مراجعه کند، هزینه‌های دادرسی را چگونه تأمین و پس از آن دریافت کند. هرچند نیاز به دیگر اطلاعات بنا به وضعیت خاص بزه‌دیده و نیز نوع جرم ارتكابی می‌تواند متفاوت باشد، اما همه این موارد را می‌توان ذیل حق بر اطلاع دسته‌بندی کرد.

حق بر رعایت کرامت انسانی، بزه‌دیده همچنین حق دارد تمام یا بخشی از جزئیات پرونده وی در رسانه‌ها منتشر نشود. مشخصات هویتی و محل فعالیت و سکونتش منتشر نشود. علاوه بر آن شأن و شخصیت انسانی وی در تعامل با کنش‌گران نظام عدالت حفظ گردد. فرصتی که برای اثبات جرم

علیه خود در محکمه می‌گذارد به حداقل برسد. این دسته حقوق را می‌توان ذیل حق بر رعایت کرامت انسانی بزه‌دیده مطرح کرد.

حق بر مشارکت فعال در فرایند کیفری، علاوه بر این، بزه‌دیده حق دارد در طول فرایند انجام تحقیقات، اظهاراتش به نحو مناسب استماع شود، دلایلش ثبت و ضبط شود، از تمام جوانب و آثار فرایند ترمیمی مطلع شود و چگونگی مسترد نمودن اموال متعلق را فراگیرد، حقوقی که ذیل عنوان حق بر شرکت در فرایند قرار می‌گیرد.

حق بر جبران خسارت، خسارت وارده به بزه‌دیده می‌بایست به طور کامل جبران گردد. علاوه بر زیان‌های مادی که بزه‌دیده در راستای اثبات بزه‌دیدگی خود متحمل می‌گردد، زیان‌های معنوی نیز باید لحاظ گردند. به بیان دیگر بزه‌دیده می‌بایست از لحاظ مادی و روانی مجدداً بازسازی شده و به اجتماع بازگردد. جبران خسارت توسط دولت‌ها در مواردی که به مرتکب دسترسی نمی‌باشد و یا فاقد تمکن مالی لازم می‌باشد، همچنین توسعه‌ی صندوق‌های حمایتی - بیمه‌ای در راستای همین حق متصور می‌باشد.

حق بر حمایت و تأمین امنیت، در آخر اینکه بزه‌دیده و خانواده‌اش باید به گونه‌ای تحت حمایت قرار گیرند تا مجدد بزه‌دیده نگردند، حق داشته باشد از مواجهه با بزهکار اجتناب کند، یا تجدید جلسات تحقیقات موجب نشود مکرر بزهکار را ببیند. در واقع تحقیقات به گونه‌ای ادامه یابد که فقط در شرایط استثنایی و بنا به ملاحظات خاص رسیدگی با متهم مواجه شود و حریم خصوصی‌اش محفوظ بماند. این دسته از حقوق را می‌توان ذیل حق بر حمایت دسته‌بندی کرد.

دسته‌ای از این حقوق مانند حق بر اطلاع از حقوق، حق بر جبران خسارت توسط مرتکب، حق بر حمایت و حق بر آموزش کاملاً حاصل مطالعات جرم‌شناختی است. این حقوق به نحو مبسوطی در رویه‌ی جدید قانون‌گذاری ایران منعکس گردیده که در گفتار بعد به آن پرداخته می‌شود.

## ۲. جلوه‌های حقوق بزه‌دیده در مرحله تحقیقات مقدماتی

### ۱-۲. به رسمیت شناختن بزه‌دیدگی و الزامات آن

هنگامی که موضوع «به رسمیت شناختن حالت بزه‌دیدگی بزه‌دیده» مطرح می‌شود به این معناست که جامعه، غیرانسانی بودن عملی را که بر قربانی جرم وارد و تحمیل شده به رسمیت بشناسد. به عبارت دیگر، موقعیت جدید فرد را به عنوان بزه‌دیده بشناسد و انسانیت او را در این حالت نیز

قبول کند. طبیعتاً انسانیت فرد، پیش و پس از بزه‌دیدگی، یکی است ولی شخصی که از جرم به ویژه جرایم علیه اشخاص، جرایم جنسی یا خشن، متضرر و به طور کلی بزه‌دیده می‌شود، در حقیقت فکر می‌کند انسانیتش پایمال شده و آن انسان سابق نیست، تعادل روانی خود را از دست داده، حیثیت و آبرویش در محیط کار، خانواده، نزد دوستان و همسایگان خدشه‌دار شده است. هنگامی که صحبت از «حق بر شناسایی» می‌شود، طبیعتاً آثاری دارد که در چهارچوب فرایند دادرسی به عنوان حقوق شاکی مطرح می‌شود که در ذیل به آن اشاره می‌شود.

## ۲-۱-۱. حق بر طرح شکایت

بزه‌دیده از جرم از این حق برخوردار است که تحت عنوان «شاکی» یا «مدعی خصوصی» به محاکم مراجعه و جبران ضرر و زیان خود اعم از خسارات مادی، معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را مطالبه نماید، فلذا از این طریق بزه‌دیدگی وی برای نهادهای عدالت کیفری به رسمیت شناخته خواهد شد.<sup>۱</sup> به رسمیت شناختن زیان‌های معنوی و ذکر طرق جبران آن در قانون، با توجه به این امر که در قانون سابق به آن اشاره‌ای نشده بود، نیز خود گام مهمی جهت حمایت از بزه‌دیده محسوب می‌گردد، زیرا در خصوص بسیاری از جرائم، عمدتاً بزه‌دیدگان به دنبال جبران ضرر و زیان مالی نبوده بلکه به دنبال کسب دوباره‌ی اعتبار و حیثیت از دست رفته‌ی خود می‌باشند. این موضوع به طور خاص در جرایم علیه تمامیت معنوی اشخاص مشهود می‌باشد. به طور مثال اعمال مجازات بر مرتکب جرم توهین در ملاعام، نشر اکاذیب، افترا و مواردی از این قبیل گرچه اقدامی در راستای اجرای عدالت می‌باشد، اما موجبات رضایت کامل بزه‌دیده از فرایند دادرسی را فراهم نمی‌آورد. در واقع، در این گونه موارد بزه‌دیده به دنبال اعاده اعتبار خود و اعلام عذرخواهی رسمی از طرف مرتکب جرم می‌باشد. قانون‌گذار این امر را به درستی توجه نموده و مبادرت به تصویب ماده‌ای در خصوص جبران خسارات معنوی نموده است، امری که در قانون سابق مغفول مانده و صرفاً از ضرر و زیان مادی و منافع ممکن‌الحصول قابل مطالبه سخن به میان آمده بود.

---

۱. مطابق با تبصره‌ی ۱ از ماده ۱۴ قانون، زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی شاکی می‌باشد که دادگاه در پی شناسایی فرد به عنوان متضرر از جرم، می‌تواند متهم را علاوه بر جبران خسارات مالی، به رفع زیان‌های معنوی از طرفی از قبیل الزام به عذرخواهی، درج حکم در جراید و امثال آن محکوم نماید.

از جمله دیگر حقوقی که می‌توان در راستای حق بزه‌دیده بر شناسائی بزه‌دیدگی وی اشاره نمود، پذیرش شکایت و اظهارات وی در هر زمان از شبانه‌روز و به هر نحو می‌باشد. ماده‌ی ۳۷ از قانون تعیین می‌دارد که: «ضابطان دادگستری موظفند شکایت کتبی یا شفاهی را همه وقت قبول نمایند. شکایت شفاهی در صورت مجلس قید و به امضای شاکی می‌رسد، اگر شاکی نتواند امضا کند یا سواد نداشته باشد، مراتب در صورت مجلس قید و انطباق شکایت شفاهی با مندرجات صورت مجلس تصدیق می‌شود. ضابطان دادگستری مکلفند پس از دریافت شکایت، به شاکی رسید تحویل دهند و به فوریت پرونده را نزد دادستان ارسال کنند».

ماده‌ی ۶۹ از قانون نیز وظیفه‌ای مشابه دائر بر پذیرش شکایت، اعم از شفاهی و کتبی در همه وقت را برای دادستان لحاظ و تکلیف نموده است. نکته‌ی حائز اهمیت آن که قانونگذار این حق بزه‌دیده را تا جایی مورد اهمیت قرار داده است که برای عدم رعایت آن توسط ضابطان طی ماده‌ی ۶۳ از قانون ضمانت اجرای انفصال از خدمات دولتی از سه ماه تا یک سال در نظر گرفته است. مطلب دیگر که قانونگذار در راستای حمایت از شاکی در هنگام طرح شکایت مقدر نموده است، مباحث مربوط به هزینه‌ی دادرسی است. آنچه واضح و بدون نیاز به توضیح می‌باشد این است که شاکی باید هزینه‌ی شکایت کیفری و مدعی خصوصی نیز باید هزینه‌ی دادرسی را برابر قانون در هنگام طرح شکایت پرداخت نمایند. حال مطابق با ماده‌ی ۵۵۹ قانون چنانچه شاکی توانایی پرداخت هزینه‌ی شکایت و مدعی خصوصی توانایی پرداخت هزینه‌ی دادرسی را نداشته باشند، به تشخیص دادستان یا دادگاه مربوط از پرداخت هزینه‌ها معاف شده و رسیدگی کیفری به علت عدم تأدیه‌ی هزینه‌ی دادرسی از سوی بزه‌دیده، به تأخیر نمی‌افتد. علاوه بر آن مطابق با مواد ۵۶۴ و ۵۶۵ در صورت محکومیت متهم، پرداخت هزینه‌های دادرسی بر عهده‌ی وی بوده و حتی در صورت فوت متهم، هزینه‌ها از ماترک وی برداشت خواهد شد. این اقدام که از لوازم حق شناسایی بزه‌دیده است، مساعدت نسبت به احقاق حقوق بزه‌دیدگانی می‌باشد که برای مدتی به اموال خود دسترسی نداشته یا تحت پوشش نهادهای حمایتی می‌باشند.

از جمله اقدامات دیگری که قانونگذار در جهت حمایت از بزه‌دیدگان خاص در زمان طرح شکایت مطرح نموده است، پیش‌بینی حمایت از افراد ناشنوا، افراد غیرمسلط به زبان فارسی، محجورین، اطفال و مجانین می‌باشد. مطابق با مواد ۳۶۷ و ۳۶۸ از قانون، حتی در صورتی که این افراد بزه‌دیده واقع شوند، محدودیت‌های جسمانی مانع پذیرش شکایت و احراز بزه‌دیدگی آنان

نبوده و مقام قضائی مکلف است تا از مترجم مورد وثوق از میان مترجمان رسمی در خصوص افراد غیر آشنا به زبان فارسی و یا ناشنوا استفاده نماید و چنانچه فرد ناشنوا قادر به نوشتن باشد، تحقیقات و سؤالات خود را از طریق کتبی از بزه دیده پرسش نماید.

در ماده‌ی ۶۶ نیز قانونگذار در خصوص اعلام جرم توسط سازمان‌های مردم‌نهاد تعیین تکلیف نموده است. مطابق با ماده مزبور: «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه‌ی آن‌ها درباره‌ی حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند...» و در تبصره‌ی ۱ همین ماده مقرر می‌گردد: «در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه‌دیده‌ی خاص باشد، کسب رضایت وی جهت اقدام مطابق این ماده ضروری است. چنانچه بزه‌دیده طفل، مجنون و یا در جرائم مالی سفیه باشد، رضایت ولی، قیم یا سرپرست قانونی او اخذ می‌شود. اگر ولی، قیم یا سرپرست قانونی، خود مرتکب جرم شده باشد، سازمان‌های مذکور با اخذ رضایت قیم اتفاقی یا تأیید دادستان، اقدامات لازم را انجام می‌دهند.» پس همان طور که ملاحظه شد، سازمان‌های مردم‌نهاد نیز می‌توانند جهت حمایت از بزه‌دیدگان خاص با شرایط مزبور در فوق مبادرت به اعلام جرم و حمایت از بزه‌دیده نمایند.

در خصوص بزه‌دیدگی افراد محجور نیز عدم وجود یا عدم دسترسی به ولی یا قیم حتی در خصوص جرائم واجد جنبه‌ی خصوصی، مانع رسیدگی نمی‌باشد. مطابق با ماده ۷۰ از قانون آیین دادرسی کیفری، «در مواردی که تعقیب کیفری، منوط به شکایت شاکی است و بزه‌دیده، محجور می‌باشد و ولی یا قیم نداشته یا به آنان دسترسی ندارد و نصب قیم نیز موجب فوت وقت یا توجه ضرر به محجور شود، تا حضور یا مداخله‌ی ولی یا قیم یا نصب قیم و همچنین در صورتی که ولی یا قیم خود مرتکب جرم شده یا مداخله در آن داشته باشد، دادستان، شخصی را به عنوان قیم موقت تعیین و یا خود امر کیفری را تعقیب می‌کند و اقدامات ضروری را برای حفظ و جمع‌آوری ادله‌ی جرم و جلوگیری از فرار متهم به عمل می‌آورد. این حکم در مواردی که بزه‌دیده، ولی و یا قیم او به عللی از قبیل بیهوشی قادر به شکایت نباشد نیز جاری است.»

ماده‌ای نیز در خصوص بزه‌دیدگی اطفال یا مجانین، بزه‌دیدگانی که به عللی از قبیل معلولیت جسمی یا ذهنی یا کهولت سن ناتوان از اقامه‌ی دعوی می‌باشند، رویه‌ای مشابه در نظر گرفته و دادستان را مکلف به تعقیب موضوع نموده است.<sup>۱</sup>

در خصوص بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان در جرایم جنسی نیز قانونگذار رویه‌ی خاصی را لحاظ نموده است. آن چه واضح است آن که کودکان با رسیدن به سن بلوغ قادر به طرح شکایت در خصوص دعاوی کیفری فاقد جنبه‌ی مالی می‌باشند. لذا پس از رسیدن به سن بلوغ، طرح دعوی توسط ولی در خصوص دعاوی مزبور فاقد وجهت قانونی است. با این وجود با توجه به آثار مخرب ناشی از جرایم جنسی در روحیه و روان بزه‌دیدگان و این امر که عمدتاً در خصوص این گونه جرایم، بزه‌دیده تا مدت‌ها در افسردگی و شوک ناشی از جرم و یا ترس از مجرم می‌باشد، قانونگذار در تبصره‌ی ۳ از ماده ۱۰۲ قانون مقرر می‌دارد: «در جرائم مذکور در این ماده (زنا، لواط یا سایر جرایم منافی عفت) اگر بزه‌دیده محجور باشد، ولی یا سرپرست قانونی او حق طرح شکایت دارد. در مورد بزه‌دیده‌ی بالغی که سن او زیر هجده سال است، ولی یا سرپرست قانونی او نیز حق طرح شکایت دارد.» همان طور که ملاحظه گردید، در این خصوص قانونگذار در راستای حمایت از بزه‌دیده‌ی بالغ زیر هجده سال، بر خلاف اصل، حق شکایت برای وی یا سرپرست وی نیز قائل گردیده است. امری که اقدامی بسیار مناسب جهت حمایت از نوجوانان قربانی جرایم جنسی و در راستای شناسایی بزه‌دیدگی او است. همچنین مطابق با تبصره ۴ از ماده‌ی ۶۶ در این گونه جرایم، سازمان‌های مردم‌نهاد نیز می‌توانند اعلام جرم نموده، دلایل خود را به مرجع قضایی ارائه دهند، اما حق شرکت در جلسات را ندارند. سیاست مزبور علاوه بر اینکه موجبات تعقیب متهمی که نسبت به افراد تحت حمایت مرتکب جرم شده است را فراهم می‌آورد، با عدم اذن در خصوص حضور سازمان مزبور در جلسات رسیدگی، موجبات حفظ آبروی بزه‌دیده را نیز فراهم می‌سازد.

---

۱. ماده ۷۱ قانون: «در مواردی که تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی است، اگر بزه دیده طفل یا مجنون باشد و ولی یا سرپرست قانونی او با وجود مصلحت مولی علیه اقدام به شکایت نکند، دادستان موضوع را تعقیب می‌کند. همچنین در مورد بزه دیدگانی که به عللی از قبیل معلولیت جسمی یا ذهنی کهولت سن ناتوان از اقامه‌ی دعوی هستند، دادستان موضوع را با جلب موافقت آنان تعقیب می‌کند. در این صورت، در خصوص افراد محجور، موقوف شدن تعقیب یا اجرای حکم نیز منوط به موافقت دادستان است.»



## ۲-۱-۲. حق بر جبران خسارت فوری

از جمله حقوقی که قانونگذار برای بزه دیده در نظر گرفته است، حق درخواست جبران خسارت همزمان با طرح دعوی کیفری می‌باشد. قانونگذار در ماده‌ی ۱۰۷ به تکلیف بازپرس بر صدور قرار تأمین خواسته از اموال متهم در صورت تقاضای بزه دیده و وجود ادله‌ی قابل قبول در کلیه‌ی جرایم بدون محدودیت در خصوص جرم خاصی اشاره داشته است.<sup>۱</sup> مطابق با ماده‌ی ۱۰۹ از قانون نیز قرار تأمین خواسته به محض ابلاغ، اجرا می‌شود. در مواردی که ابلاغ فوری ممکن نبوده یا تأخیر در اجرا موجب تضییع خواسته شود، ابتدا قرار تأمین اجرا و سپس ابلاغ می‌شود.

اقدام دیگری که قانونگذار در جهت حمایت هر چه بیشتر از بزه دیده و در راستای تحصیل رضایت قربانی اتخاذ نموده است اعطای مهلت محدود به متهم جهت جبران خسارت متضرر از جرم می‌باشد. مطابق با ماده‌ی ۸۲، «در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آن‌ها قابل تعلیق است، مقام قضائی می‌تواند به درخواست متهم و موافقت بزه دیده یا مدعی خصوصی و با اخذ تأمین متناسب، حداکثر دو ماه مهلت به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند...».

در ادامه‌ی ماده، دخالت مؤسسات میانجی‌گری به رسمیت شناخته می‌شود؛ امری که تا قبل از تصویب این قانون امری دور از ذهن به نظر می‌رسید: «... همچنین مقام قضائی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه‌ای برای میانجی‌گری ارجاع دهد. مدت میانجی‌گری بیش از سه ماه نیست...».

از نیمه‌ی دهه‌ی هفتاد قرن بیستم تاکنون و در سطح جامعه بین‌الملل میانجی‌گری به عنوان قدیمی‌ترین و شایع‌ترین روش اجرای عدالت مطرح بوده است. عنصر مشترک در همه‌ی برنامه‌های میانجی‌گری مشارکت آزادانه و ملاقات چهره به چهره‌ی بزه دیده و بزه‌کار است. به طور کلی میانجی‌گری روش یا آئین حل اختلاف است؛ فرایندی که طی آن بر ضرورت مذاکره‌ی شرکت کنندگان با یکدیگر جهت حصول یک توافق در خصوص دعوی مطروح تأکید و بر منبای تعمیم سازی آزادانه و توأم با مشارکت طرفین، نسبت به حل و فصل خصومت اقدام می‌شود. در این تعمیم

۱. ماده ۱۰۷: «شاکی می‌تواند تأمین ضرر و زیان خود را از بازپرس بخواهد. هرگاه این تقاضا مبتنی بر ادله قابل قبول باشد، بازپرس

قرار تأمین خواسته را صادر می‌کند.»

سازی میانجی نمی‌تواند هیچ تصمیمی را بر دیگران تحمیل کند (غلامی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۶). میانجی‌گری در خصوص جرائم سبک، غیرعمدی، مالی به ویژه در مواردی که میان طرفین روابط فامیلی، همسایگی و یا دوستانه وجود دارد، حقوق بزه‌دیده را بدون صرف هزینه و در زمانی سریع‌تر و بدون وارد کردن لطمات روحی و اجتماعی‌ای که غالباً در محکمه‌ی قضایی به شخصیت بزه‌کار و بزه‌دیده وارد می‌شود، و به ویژه بدون ایجاد انگیزه‌های انتقام‌آمیز و کینه‌توزانه‌ای که حاصل مراجعه به محاکم قضایی است، تأمین می‌کند (توجهی، ۱۳۸۸، ص ۶۲۵).

قانونگذار با تصویب ماده مزبور میانجی‌گری اشخاص حقیقی یا حقوقی در حقوق ایران را به صراحت به رسمیت شناخته است. نکته‌ی حائز اهمیت دیگر این که قانونگذار برای این امر مدت زمان خاصی تعیین کرده است تا از این طریق هم سعی تام در ایجاد سازش میان طرفین پیش آمده و هم از اطاله‌ی دادرسی جلوگیری به عمل آورد و مقامات قضایی مکلف به اقدام در محدوده‌ی مدت زمانی خاص باشند.

## ۲-۱-۳. حق برخورداری از مشاوره حقوقی

از جمله اقدامات دیگری که در نتیجه‌ی به رسمیت شناختن بزه‌دیدگی قربانی متصور می‌باشد حق درخواست جبران خسارت و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای در زمان طرح دعوی است. توضیح آنکه چه بسا عمده مراجعین به محاکم قضایی، به دلیل عدم تمکن مالی در تعیین وکیل، شخصاً مبادرت به طرح دعوی می‌نمایند و علاوه بر اینکه بزه‌دیده جرم اصلی شده‌اند؛ برای اثبات این امر متحمل صرف وقت و اتلاف هزینه فراوانی نیز می‌شوند. با این وجود در نهایت به دلیل عدم آشنایی با مسائل حقوقی و عدم طرح دعوی به شیوه مناسب به هدف مورد نظر خود نمی‌رسند. این موضوع در خصوص دعاوی که دارای هر دو جنبه حقوقی و کیفری می‌باشد و بزه‌دیده صرفاً محق در پیگیری در یک جنبه می‌باشد از قبیل چک پرداخت نشدنی، تصرف عدوانی، مزاحمت‌های ملکی و ... به ویژه مشاهده می‌شود.

واحدهای ارشاد و معاضدت قضایی که عمدتاً در مراجع انتظامی و قضایی جهت مشاوره‌ی حقوقی و آشنایی مراجعین با مسائل حقوقی تأسیس گردیده است می‌تواند نقش به‌سزایی در حمایت از بزه‌دیده و هدایت دعوی در مسیر قانونی خود اجرا نماید. در این خصوص ماده‌ی ۳۸ قانون مقرر می‌دارد: «ضابطان دادگستری مکلفند شاکی را از حق درخواست جبران خسارت و بهره‌مندی از

خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر معاضدت‌های حقوقی آگاه سازند» و برای عدم اقدام در این خصوص در ماده‌ی ۶۲ محکومیت انفصال از خدمت به مدت سه ماه تا یک سال در نظر گرفته است. نکته‌ی جالب آن که در ماده‌ی ۳۸ با توجه به استفاده از واژه‌ی «ضابطان دادگستری» قانونگذار بر کلیه‌ی ضابطین اعم از عام و خاص تکلیف بار نموده است و آن را محدود به ضابطین عام و مراجع انتظامی نکرده است.

#### ۲-۱-۴. حق بر بیان بزه‌دیدگی

از جمله دیگر حقوق بزه‌دیده که اثرات روحی و روانی فراوانی بر شخص بزه‌دیده خواهد داشت و موجبات آرامش و تسکین وی را فراهم خواهد نمود، این است که به بزه‌دیده اجازه داده شود تا در جلسه‌ی اول دادرسی، آلام و رنج‌های درونی خود پس از بزه‌دیدگی و آثار جانبی آن را کاملاً نزد مقام قضایی بیان کرده و از این رهگذر بزه‌دیدگی خود را ثابت نماید. امری که با توجه به حجم بالای پرونده‌های وارده به محاکم، قضایی شدن عمده دعاوی حسب قوانین متفرقه و فراوانی ارباب رجوع در عمل با مشکل جدی مواجه بوده و نیازمند اتخاذ تدابیر خاص می‌باشد.

#### ۲-۲. حق بر پیشگیری از بزه‌دیدگی مجدد

بزه‌دیده پس از تحمل جرم وضعیت جدیدی پیدا می‌کند که نیازمند همراهی و حمایت است. در جریان دادرسی می‌بایست زمینه‌های حمایت از بزه‌دیده، به ویژه در جرایم گروهی و سازمان‌یافته، فراهم گردد به گونه‌ای که بزه‌دیده با طیب نفس و بدون هر گونه هراس از مورد انتقام واقع شدن به مرجع عدالت کیفری مراجعه نماید. در صورت حمایت مؤثر از بزه‌دیده، نه تنها تا حد زیادی از بزه‌دیدگی مکرر وی جلوگیری می‌شود بلکه موجبات رضایت از دستگاه‌های عدالت فراهم خواهد شد.

قانونگذار در قانون آئین دادرسی کیفری در جهت حمایت از شکات و متضررین از جرم تدابیر حمایتی جدیدی پیش‌بینی کرده است که هم از بزه‌دیدگی مکرر وی و هم از بزه‌دیدگی ثانوی وی جلوگیری می‌نماید. تعدادی از این حمایت‌ها کاملاً جنبه نوآوری داشته و بدون هرگونه سابقه‌ی تقنین در حقوق ایران می‌باشد.

## ۲-۲-۱. حفظ هویت و رعایت کرامت انسانی بزه‌دیده

مراحل مختلف فرایند کیفری باید به گونه‌ای باشد که هراس بزه‌دیده را از تهدیدها و اقدام‌های تلافی‌جویانه‌ی متهم به پایین‌ترین سطح برساند و با پاسداری از زندگی خصوصی وی، احساس امنیت ایجاد کند. به همین منظور، نام، نشانی، آدرس اقامتگاه، محل کار، شماره تلفن و دیگر مشخصات بزه‌دیده را نباید فاش کرد و هر گونه تصمیمی در این باره را باید به دادگاه سپرد (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰، ص ۵۸). در همین راستا ماده‌ی ۴۰ از قانون مقرر می‌دارد: «افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه‌دیده، شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده توسط ضابطان دادگستری، جز در مواردی که قانون معین می‌کند، ممنوع است» و برای نقض این مقرر مجازات انفصال از خدمت از سه ماه تا یک سال لحاظ گردیده است (ماده ۶۳ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲).

از طرف دیگر، مطابق با ماده‌ی ۹۱ از قانون، تحقیقات مقدماتی به صورت کاملاً محرمانه صورت می‌گیرد و کلیه‌ی اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی حضور دارند موظف به حفظ این اسرار بوده و در صورت تخلف، به مجازات جرم افشای اسرار شغلی و حرفه‌ای محکوم خواهند شد. همان‌طور که ملاحظه شد قانونگذار تأکید فراوانی بر محرمانه بودن هویت و جریان تحقیقات مقدماتی داشته که این امر خود از جمله اصولی‌ترین اقدامات در راستای حمایت از بزه‌دیدگان می‌باشد. در ماده‌ی ۱۰۱ از قانون نیز بازپرس مکلف شده است در مواردی که دسترسی به اطلاعات فردی بزه‌دیده، از قبیل نام و نام خانوادگی، نشانی و شماره تلفن، احتمال خطر و تهدید جدی علیه تمامیت جسمانی و حیثیت بزه‌دیده را به همراه داشته باشد، تدابیر مقتضی را برای جلوگیری از دسترسی به این اطلاعات اتخاذ نماید. امری که در مرحله‌ی رسیدگی در دادگاه نیز با توجه به مصالح بزه‌دیده و با تشخیص رئیس دادگاه میسر می‌باشد.

برگزاری جلسات به صورت غیرعلنی خود اقدام مؤثر دیگری در راستای حفظ هویت بزه‌دیدگان به شمار می‌رود. توضیح آن که گرچه در موارد استثنایی، آوازه و شهرت بین‌المللی بزه‌دیده یا تلاشی که رسانه‌ها انجام می‌دهند، نوعی حمایت از وی محسوب می‌گردد، اما اکثر محققان بین‌المللی بر این باورند که بهترین راه حمایت از بزه‌دیده، سری بودن تحقیق و عدم افشای هویت وی می‌باشد (لوک والین، ۱۳۸۵، ص ۴۲). جهت تحقق این هدف می‌توان جلسات دادرسی را در صورت حصول دیگر شرایط قانونی، به صورت غیرعلنی برگزار نمود. با این روش هویت بزه‌دیده صرفاً برای متهم نمایان شده و عموم افراد جامعه و به طور خاص سایر افراد گروه بزهکار در جرایم

سازمان یافته از آن بی اطلاع خواهند بود و تا حدود زیادی از انتقام گیری های بعدی جلوگیری به عمل می آید.

علاوه بر آن در خصوص جرایم واجد جنبه ی خصوصی و خانوادگی بزه دیده به طور معمول و برای حفظ حیثیت خود مخالف با انتشار جریان رسیدگی می باشد. در این خصوص ماده ی ۳۵۲ از قانون مقرر می دارد: «محاکمات دادگاه علنی است، مگر در جرائم قابل گذشت که طرفین یا شاکی، غیرعلنی بودن محاکمه را درخواست کنند...» در ماده ۳۵۳ نیز در خصوص انتشار جریان رسیدگی در رسانه ها به صراحت به حفظ هویت و مشخصات بزه دیده اشاره شده است. در حالی که در قانون آیین دادرسی کیفری سابق صرفاً به کتمان هویت متهم توجه ویژه شده بود. ماده ی مزبور مقرر می دارد: «انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم و هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی آنان نباشد، در رسانه ها مجاز است...». نکته ی قابل توجه آن که قانونگذار به صرف کتمان مشخصات هویتی شاکی اکتفا ننموده است و حتی افشاء موقعیت اداری و اجتماعی بزه دیده را نیز ممنوع دانسته است. با این تدبیر شناسایی بزه دیده با موانع جدی تری روبرو خواهد بود.

## ۲-۲-۲. حق بر حمایت از دلایل ارایه شده توسط بزه دیده

حمایت از دلایل و مدارک ارائه شده توسط بزه دیده نیز، خود گامی مؤثر در اثبات دعوی وی در دستگاه قضایی به شمار می آید. گرچه در این بُعد از حمایت، شخص بزه دیده به صورت مستقیم مورد حمایت قرار نمی گیرد با این وجود حمایت های غیرمستقیم از وی، موجبات حاکمیت وی در دعوی مطرح شده را فراهم خواهد ساخت.

حمایت از شاهد علیرغم این که سالیان سال است فصلی جداگانه را در کنوانسیون های بین المللی و قوانین جزایی کشورها به خود اختصاص داده است<sup>۱</sup>؛ فاقد سابقه ی تقنینی معین و مبسوط در حقوق ایران می باشد.

۱. ایالت متحده امریکا به عنوان خاستگاه این برنامه، در دهه ی ۱۹۷۰ میلادی با تصویب قانون کنترل جرائم سازمان یافته به دادستان کل اختیار داد تا امنیت شهود را تأمین نماید. این امر به عنوان گام ابتدایی در جهت حمایت از شهود به شمار می رود. پس از ایالات متحده، استرالیا در سال ۱۹۹۴ م، آلمان در سال ۲۰۰۱ م. قوانین مربوط به حمایت از شهود را به تصویب رساندند. در دادگاه های بین المللی نیز به این امر اشاره شده است. ماده ۲۲ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی در ۱۹۹۳ م. و قواعد ۶۵ و ۷۵ آیین دادرسی و ادله

شهادت شهود از جمله ارکان اساسی در تحقیقات کیفری به شمار می‌روند چرا که در بسیاری از موارد کشف حقیقت و صدور حکم عادلانه بدون معاضدت کسانی که خود در صحنه‌ی وقوع جرم حضور داشته و چگونگی ارتکاب آن را ملاحظه کرده‌اند میسر نمی‌باشد. به همین دلیل از شهود به چشم و گوش دستگاه عدالت تعبیر شده است (آشوری، ۱۳۸۵، ص ۱۱۳). از طرف دیگر در اثبات امور کیفری تهیه‌ی سند و یا دلایل دیگر تقریباً غیرممکن است و کمتر کسی می‌تواند از قبل برای اثبات جرم، دلیل جمع‌آوری نماید و در نتیجه اظهارات شهود و مطلعان از اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشد. همچنین جهت تکمیل تحقیقات ضروری است تا شهود به نظام عدالت کیفری اعتماد کامل داشته باشند (نوبهار، ۱۳۸۳، ص ۱۱۶). لازم است تا به شاهد اطمینان خاطر داده شود که در مقابل تهدیدات و صدماتی که ممکن است به لحاظ تحمل و ادای شهادت به وی وارد می‌گردد، حمایت و پشتیبانی خواهد شد. با وجود این حمایت‌ها، میل و رغبت شاهد جهت همکاری با دستگاه‌های پلیسی-قضایی تقویت می‌گردد و در نهایت کمک قابل توجهی به حفظ حاکمیت قانون در جامعه به عمل می‌آید.

مطابق با تحقیقی که در کشور انگلستان صورت گرفته از ۴۱۲ موردی که شاهدان از شهادت در امری امتناع ورزیده‌اند، ۹۰ مورد یعنی حدود ۲۲ درصد به دلیل ترس از در معرض تهدید قرار گرفتن بوده است (پرویزی‌فرد، ۱۳۸۵، ص ۴۲).

قانونگذار در ماده‌ی ۲۱۴ از قانون، نوآوری قابل توجهی را لحاظ نموده است. طی بندهای این ماده اقداماتی ذکر شده که به نوعی بازنویسی مواد مربوط به حمایت از شهود و کارشناسان در کنوانسیون‌های بین‌المللی می‌باشد.

(دیگر سند حاکم بر دادگاه)؛ همچنین پاراگراف ۶ ماده ۴۶ و پاراگراف ۳ ماده ۱۵۴ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) در سال ۲۰۰۲ م. نیز به صراحت به این امر پرداخته‌اند. از جمله کنوانسیون‌هایی که به بحث حمایت از شاهد طی مواردی مستقل پرداخته‌اند می‌توان به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مقابله با جرایم سازمان ملل متحد برای مقابله با قاچاق غیر قانونی مواد مخدر و روانگردان ۱۹۹۰ م.، کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد ۲۰۰۳ م.، پروتوکل پیشگیری، منع و مجازات قاچاق انسان، به ویژه زنان و کودکان، مکمل کنوانسیون مقابله با جرائم سازمان یافته ۲۰۰۳ م.، کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی جهت مبارزه با تروریسم بین‌المللی اشاره کرد.

این ماده در مواردی که بیم خطر جانی یا حیثیتی یا ضرر مالی برای شاهد، مطلع یا خانواده‌ی آنان وجود داشته اما استماع اظهارات آنان نیز ضروری باشد باز پرس را مکلف به تدبیر اقداماتی نموده است از جمله:

الف) عدم مواجهه‌ی حضوری بین شاهد یا مطلع با شاکی یا متهم

ب) عدم افشای اطلاعات مربوط به هویت، مشخصات خانوادگی و محل سکونت یا فعالیت شاهد یا مطلع

پ) استماع اظهارات شاهد یا مطلع در خارج از دادسرا با وسایل ارتباط از راه دور در تبصره‌ی ۱ و ۳ از همین ماده نیز تدبیر دیگری از جمله آموزش برای حفاظت از سلامت جسمی و روحی یا تغییر محل سکونت و استفاده از اقدامات مزبور در مرحله‌ی دادگاه نیز مورد اشاره قرار گرفته است.

توضیح آن که استفاده از اسامی مستعار در شهادت‌نامه، ادای شهادت بدون ذکر نام، ادای شهادت از پشت پرده یا حفاظ در جلسه‌ی دادگاه به نحوی که چهره‌ی شاهد قابل شناسایی توسط متهمان نباشد، ادای شهادت از طریق تلویزیون مدار بسته و ویدئوکنفرانس اشاعه‌ی شایع در سطح جامعه‌ی بین‌المللی و به طور خاص در خصوص جرایم سازمان‌یافته و فراملی می‌باشد. علاوه بر آن می‌توان از تجهیزات الکترونیکی برای تغییر چهره یا تغییر صدا در مورد شهودی که از طریق ویدئوکنفرانس به ادای شهادت می‌پردازند استفاده نمود و از این طریق از افشای هویت شاهد و مواجهه‌ی وی با متهم جلوگیری نمود.

حفاظت از نزدیک با گشت‌های منظم پلیسی ترجیحاً با لباس مبدل و به صورت غیرنمایان که موجبات برانگیختن حس کنجکاوی دیگران را فراهم نیاورد، کنترل محموله‌های پستی وارده بر منزل شاهد، تجهیزات تماس سریع، افزایش ایمنی محل سکونت شاهد از طریق نصب درب‌های ایمنی مستحکم، نرده، آزریر یا تغییر شماره تلفن وی و همچنین تغییر محل سکونت شاهد به صورت دائم یا موقت از طریق اسکان در منزل یکی از خویشان و یا اسکان در نزدیکی مراکز پلیس از جمله دیگر اقدامات در سطح جامعه‌ی بین‌الملل در راستای حمایت از شاهد می‌باشد.

حمایت مالی از شاهد نیز از جمله ابعاد حمایت از دلایل ارائه شده بزه دیده می‌باشد. ضرر و زیان وارده به شاهد از حیث ترک شغل در زمان حضور در مرجع قضائی و هزینه‌ی ایاب و ذهاب

با تصویب ماده‌ی ۲۱۵ از قانون برای شاهد همگام با ماده‌ی ۱۶۰ از قانون آئین دادرسی کیفری سابق در نظر گرفته شد.

مطابق با ماده‌ی مزبور در صورت درخواست توسط شاهد، بازپرس در همان مرحله دادرسی با تعیین کارشناس در صورت لزوم هزینه را ارزیابی و شاکی را مکلف به تودیع آن می‌نماید. در صورت عدم تمکن بزه‌دیده، هزینه‌ی تعیینی از محل اعتبارات مصوب قوه قضاییه پرداخت خواهد شد و در هر صورت بزه‌دیده پس از صدور حکم حق مطالبه‌ی هزینه‌های پرداختی از محکوم علیه را خواهد داشت.

البته لازم به ذکر است مطابق با تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۲۱۴ از این قانون اجرای برنامه‌های حمایتی از شاهد باید به نحوی صورت پذیرد که منافی حقوق دفاعی متهم نباشد (رئوفیان، ۱۳۸۹، صص ۹۳-۱۱۱).

#### ۲-۲-۳. حق بر تأمین امنیت

گام دیگر جهت حمایت از بزه‌دیده، حمایت از امنیت وی می‌باشد. توضیح آن که جهت کاهش نگرانی و دغدغه‌های بزه‌دیدگان، حفاظت و تضمین امنیت آنان امری ضروری به نظر می‌رسد. ترس از مورد انتقام واقع شدن از مهم‌ترین دلایل قربانیان جرایم برای عدم گزارش به دستگاه‌های عدالت کیفری می‌باشد. لذا با تأمین امنیت آن‌ها می‌توان در درجه‌ی اول به میزان دقیق جرایم ارتکاب یافته دست یافت و از این طریق از آمار سیاه جرایم تا حد زیادی کاست و از طرف دیگر عموم جامعه را به همکاری با دستگاه عدالت کیفری تشویق و ترغیب نمود.

دستگاه عدالت کیفری موظف است تدابیر لازم جهت ایجاد احساس امنیت در بزه‌دیدگان در برابر متهم و وابستگان او را به کار بندد. ماده‌ی ۹۷ از قانون مقرر می‌دارد: «بازپرس به منظور حمایت از بزه‌دیده، شاهد، مطلع، اعلام‌کننده‌ی جرم یا خانواده‌ی آنان و همچنین خانواده‌ی متهم در برابر تهدیدات، در صورت ضرورت، انجام برخی از اقدامات احتیاطی را به ضابطان دادگستری دستور می‌دهد. ضابطان دادگستری مکلف به انجام دستورها و ارائه‌ی گزارش به بازپرس هستند.»

تصویب ماده مزبور خود گام موثری در جهت حمایت از بزه‌دیده و خانواده وی بوده که ضابطان مکلف به انجام آن پس از صدور دستور قضایی می‌باشند.

از جمله اقدامات احتیاطی می‌توان به تأمین امنیت فیزیکی محل زندگی بزه‌دیده از طریق گشت‌های منظم پیرامون منزل، کنترل ورودی و تماس‌های تلفنی به منزل بزه‌دیده با رضایت وی،



نصب امکانات الکترونیکی هشدار دهنده یا اختصاص تلفن همراه با شماره‌های اضطراری اشاره نمود که البته این امر نیازمند تخصیص بودجه متناسب برای مراجع انتظامی می‌باشد. از جمله موارد دیگری که قانونگذار جهت حفظ امنیت شاکی در نظر گرفته است مجوز صدور قرار بازداشت موقت متهم در مواردی که آزاد بودن وی، مخل نظم عمومی یا موجب به خطر افتادن جان شاکی، شهود یا خانواده‌ی آنان مطابق با بند (پ) از ماده‌ی ۲۳۸ قانون می‌باشد.

#### ۲-۲-۴. حق بر مدت معقول رسیدگی و اطلاع از سرنوشت دعوی

صرف نظر از این امر که احقاق حق نیازمند اختصاص زمان برای کشف حقیقت می‌باشد یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که امروزه محاکم با آن درگیر می‌باشند بحث اطلاع دادرسی است. اطلاع دادرسی خود عامل مهمی در افزایش صدمات مادی و معنوی بزه‌دیده و حتی در تحریک وی جهت انتقام و گرایش به سمت سیستم دادگری خصوصی می‌باشد. اصولاً به هر میزانی که در احقاق حقوق بزه‌دیده تسریع شود از مقدار تحقیر و تنزیل اجتماعی وی کاسته می‌شود (توجهی، ۱۳۸۸، ص ۶۲۷). از جمله عوامل اصلی اطلاع دادرسی می‌توان به کمبود کادر قضایی و همچنین موارد اطلاع دادرسی از جمله مواعد طولانی در نظر گرفته شده در قانون اشاره نمود. در خصوص سوابق موضوع در قوه قضاییه می‌توان به «طرح جامع رفع اطلاع دادرسی، دستورالعمل‌های شماره ۱ و ۲» صادره در مورخه‌های ۸۴/۴/۳۰ و ۸۴/۱۱/۱۵ اشاره نمود؛ با این وجود قسمت عمده مشکل در جای خود باقی مانده است.

ماده‌ی ۳ قانون با ذکر عبارت «مراجع قضائی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری کنند». به حق شاکی در خصوص رسیدگی در مهلت معقول اشاره نموده است.

علاوه بر ماده فوق، قانونگذار اقداماتی را جهت جلوگیری از اطلاع دادرسی و هر چه سریع‌تر انجام شدن دادرسی جهت حفظ حقوق بزه‌دیده به تصویب رسانده است. مطابق با ماده‌ی ۲۷۳ از قانون رسیدگی به اعتراض شاکی نسبت به قرارهای قابل اعتراض در جلسه‌ی فوق‌العاده در دادگاه صورت می‌گیرد و از طرف دیگر جهت تسریع در رسیدگی ادعای شفاهی دادستان - به جای صدور

کیفرخواست کتبی - نیز حسب ماده‌ی ۳۳۵ می‌تواند از موجبات شروع به رسیدگی در دادگاه‌های کیفری باشد.

موارد مزبور از جمله اقداماتی بود که قانون برای تسریع در رسیدگی لحاظ نموده است، اما با این وجود لازم به ذکر است قانون با استدلال حفظ حقوق متهم گاهی سیاست کاملاً متعارضی در خصوص موضوع اتخاذ نموده است که خود موجبات اطاله دادرسی را فراهم می‌نماید. برای مثال مطابق با ماده‌ی ۲۲۱ از قانون، چنانچه بازپرس ملائت کفیل را احراز نکند مراتب را فوری به نظر دادستان می‌رساند. دادستان نیز موظف است در همان روز رسیدگی و اظهارنظر نماید. تشخیص دادستان برای بازپرس الزامی است. در صورت عدم احراز ملائت توسط دادستان، مطابق با ماده ۲۲۶، موضوع ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قرار قابل اعتراض در دادگاه صالح می‌باشد. حال جای تعجب است در جایی که دو مقام قضایی بر عدم ملائت کفیل نظر داشته‌اند هم چنان موضوع قابل بررسی نزد قاضی دیگر می‌باشد. این موضوع خود با وجهه‌ی قانونی، موجبات اطاله دادرسی را فراهم خواهد آورد.

ماده ۲ از قانون با ذکر عبارت «دادرسی کیفری باید حقوق طرفین دعوی را تضمین کند...» و همچنین با استفاده از واژه‌ی «طرفین دعوی» به تضمین حقوق بزه‌دیده و به نوعی توافعی بودن دادرسی کیفری اشاره نموده است. توافعی بودن دعوی خود بر حق دیگری از حقوق بزه‌دیده یعنی اطلاع از سرنوشت پرونده تأکید دارد.

مطابق با ماده ۱۰۰ از قانون نیز «شاکمی می‌تواند در هنگام تحقیقات... در تحقیقات حضور یابد، صورت مجلس تحقیقات مقدماتی یا سایر اوراق پرونده را که با ضرورت کشف حقیقت منافات ندارد، مطالعه کند و یا به هزینه خود از آن‌ها تصویر یا رونوشت بگیرد.»

چنانچه بازپرس مطالعه یا دسترسی به اوراق پرونده را منافی با ضرورت کشف حقیقت بداند، با ذکر دلیل، قرار رد درخواست صادر می‌نماید. جهت حفظ هرچه بهتر حق بزه‌دیده، وی ظرف سه روز حق اعتراض به این قرار را در دادگاه صالح داشته و دادگاه نیز در راستای جلوگیری از اطاله دادرسی مکلف است در وقت فوق‌العاده به اعتراض رسیدگی و رأی قطعی صادر نماید.

حضور بزه دیده در جلسات دادرسی، مطالعه پرونده و تهیه تصویر یا رونوشت از اوراق پرونده، همگی در راستای حق بزه دیده بر اطلاع از سرنوشت پرونده می باشد.<sup>۱</sup>

## ۲-۲-۵. ممنوعیت تحمیل هزینه بر بزه دیده

نکته ی حائز اهمیت و نهایی این که تحمیل هرگونه هزینه بر بزه دیده در طول روند دادرسی ممنوع می باشد. با این وجود، برخی اوقات، مراجع انتظامی جهت ابلاغ اوراق قضائی به مشتکی عنه، انتقال زندانی یا سایر خدمات از مساعدت، نیرو و سرمایه شاکی بهره می گیرند و تلاش می کنند کمبود نیرو و امکانات خود را از این طریق جبران نمایند.

بدین ترتیب، بزه دیده نه تنها از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان و خسارت مادی و معنوی گردیده است، بلکه باید برای اثبات حقانیت و حالت بزه دیدگی خود، مجدداً بزه دیده ی فرآیند رسیدگی قرار گیرد.

به منظور پیشگیری از این اقدام، ماده ی ۶۲ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می دارد: «تحمیل هزینه های ناشی از انجام وظایف ضابطان نسبت به کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله ی وقوع جرم، شناسایی و یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، دستگیری وی، حمایت از بزه دیده و خانواده ی او در برابر تهدیدات، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی تحت هر عنوان بر بزه دیده ممنوع است.»

البته اثربخش بودن این تدبیر مستلزم این است که سالیانه بودجه ویژه ای برای انجام وظایف ضابطین در نظر گرفته شود. بسیار بدیهی است که ایجاد تکلیف برای دستگاه های انتظامی بدون تخصیص منابع مالی کافی، احتمال مرگ قانون در حین تولد را افزایش می دهد.

## ۲-۳. حق بر لحاظ میزان خسارت وارده بر بزه دیده در طول تحقیقات

جبران خسارت، از جمله ابزارهای مهم دیگر دادگری جنایی است که از آن می توان به منزله ی یک شیوه ی جبرانی برای پاره ای از زیان ها و آسیب های وارد بر بزه دیده و نیز شیوه ای برای پاسخگو

۱. لازم به ذکر است امروزه با تأسیس دفاتر خدمات قضایی، سیستم دادرسی الکترونیک و راه اندازی سیستم مدیریت پرونده توسط قوه قضاییه، مراجعین می توانند با دریافت رمز و ورود به سامانه از سرنوشت پرونده خود مطلع گردیده، لایحه ارسال نموده و در خصوص سرنوشت پرونده پیامک نیز دریافت نمایند. این امر خود موجبات تسهیل حق اطلاع از سرنوشت پرونده را فراهم می سازد.

ساختن بزه‌کار بهره گرفت. به دیگر سخن، هدف مطلوب جبران خسارت، بالا بردن حس پاسخگویی نسبت به بزه‌دیده است (رایجان اصلی، ۱۳۹۰، ص ۶۶). اقداماتی که در طول دادرسی توسط نظام عدالت کیفری به عمل می‌آید باید با نیم‌نگاهی به جبران خسارت‌های وارده به شاکی صورت گیرد. ماده‌ی ۲۱۹ از قانون مقرر داشته است: «مبلغ وجه التزام، وجه‌الکفاله و وثیقه نباید در هر حال از خسارت وارده به بزه‌دیده کمتر باشد...».

مطابق با تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۲۴۷ قانون نیز در خصوص جرایم تعزیری درجه‌ی هفت و هشت، در صورتی که متهم تضمین لازم برای جبران خسارت وارده به بزه‌دیده را ارائه نماید، مقام قضایی فقط به صدور قرار نظارت قضایی اکتفا خواهد نمود. ماده‌ی مزبور خود عاملی مؤثر جهت تشویق بزه‌کار برای جبران خسارت وارده به بزه‌دیده می‌باشد.

قانونگذار از همین دیدگاه در خصوص اعطای مرخصی به محکوم‌علیه و نیز تعلیق تعقیب متهم بهره برده است. مطابق با تبصره‌ی ۳ ماده‌ی ۵۲۰ قانون: «در مواردی که زندانی دارای شاکی خصوصی است و بنا به تشخیص دادستان یا قاضی اجرای احکام، اعطای مرخصی می‌تواند در جلب رضایت شاکی مؤثر باشد، زندانی می‌تواند علاوه بر مرخصی مذکور در این ماده پس از سپردن تأمین مناسب، در طول مدت حبس یک نوبت دیگر و حداکثر به مدت هفت روز از مرخصی استفاده نماید. در صورتی که محکوم بتواند بخشی از خسارت شاکی را پرداخت یا رضایت او را جلب کند، این مرخصی فقط برای یک بار دیگر به مدت هفت روز تمدید می‌شود.»

همچنین مطابق با ماده‌ی ۸۱ از قانون در جرایم تعزیری درجه‌ی شش، هفت و هشت، چنانچه متهم رضایت شاکی را اخذ یا خسارت وارده به وی را جبران کرده باشد و یا با موافقت بزه‌دیده ترتیب پرداخت آن را در مدت مشخصی داده باشد؛ در صورت وجود سایر شرایط می‌تواند از نهاد مربوط به تعلیق تعقیب از شش ماه تا دو سال استفاده کرده و تعقیب وی معلق گردد. پس از صدور قرار تعلیق، دادستان می‌تواند وی را مکلف به ارائه‌ی خدمات به بزه‌دیده و در جهت رفع یا کاهش آثار زیان بار مادی یا معنوی ناشی از جرم با رضایت بزه‌دیده نماید (بند الف ماده‌ی ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲).

ماده‌ی ۲۳۲ قانون نیز به کسر مبلغ دیه از وثیقه یا وجه‌الکفاله در مواردی که امکان وصول دیه از بیمه نبوده و محکوم‌علیه نیز حاضر نمی‌باشد اشاره داشته تا از این طریق خسارت وارده به بزه‌دیده جبران شده و عدم دسترسی به محکوم دلیلی برای عدم جبران خسارت به بزه‌دیده نباشد.<sup>۱</sup>

#### نتیجه

حمایت از بزه‌دیده امری ضروری و غیرقابل انکار در رسیدگی‌های کیفری می‌باشد. این حمایت مظاهر مختلفی دارد که معمولاً دولت‌ها برای تأمین حداقل آن تلاش می‌کنند. قانونگذار ایران نیز در قانون آیین دادرسی کیفری، با تعریف واژه‌ی «بزه‌دیده» و پرداختن به حقوقی مانند معافیت از پرداخت هزینه‌ی دادرسی در موارد خاص، کتمان هویت، فوریت در رسیدگی و جلوگیری از اطاله‌ی دادرسی، مشاوره‌های حقوقی، اعطای فرصت به متهم جهت اخذ رضایت شاکی در زمان طرح شکایت، حق بر جبران خسارت، حمایت از دلائل و مدارک ارائه شده به مرجع قضایی و نیز عدم تحمیل هزینه در طول فرآیند دادرسی، گام مناسبی برداشته است.

گرچه تلاش قانونگذار در مقایسه با قوانین مصوب سابق قابل تقدیر است با این وجود باید دید این حقوق در عمل به چه نحو اجرا خواهد شد. آنچه مهم می‌نماید چگونگی اجرای حداقل حقوق پیش‌بینی شده، از جمله حق بر تدارک حضور از یک سو و حق بر پیشگیری از بزه‌دیدگی مکرر از سوی دیگر می‌باشد. آیا امکانات مادی و قابلیت‌های انسانی برای تبیین و آموزش این گفتمان قانونگذار مهیا شده است؟ آیا به ضابطان برای عنوان مجریان این قانون دوره‌های آموزش حقوق بزه‌دیده و تاثیر آن بر پیشگیری از تکرار جرم و در نهایت کاهش تورم پرونده‌ها پیش‌بینی و اجرا شده است؟ بی‌تردید اصلاح قوانین و مقررات به طور کلی، به‌ویژه هنگامی که با توجه به ضرورت‌های داخلی و مطالعات کارشناسی انجام شده باشد موجب تحول در نظام عدالت کیفری می‌گردد، لیکن آنچه موجب گشایش فصل جدیدی در این حوزه می‌گردد، اعتقاد و عزم راسخ و فراهم نمودن امکانات اجرای واقعی قانون است. در این صورت است که می‌توان از تحول واقعی سخن به میان آورد.

۱. ماده ۲۳۲: «دیه با رعایت مقررات مربوط و ضرر و زیان محکوم‌له، در صورتی از مبلغ وثیقه یا وجه‌الکفاله کسر می‌شود که امکان وصول آن از بیمه میسر نبوده و محکوم‌علیه حاضر نشود و وثیقه‌گذار یا کفیل هم، وی را طبق مقررات حاضر ننموده و عذر موجهی هم نداشته باشد.»

## فهرست منابع

### فارسی

- آشوری، محمد (۱۳۹۵)، **آیین دادرسی کیفری**، چاپ نوزدهم، تهران: انتشارات سمت.
- آشوری، محمد (۱۳۷۶)، **عدالت کیفری**، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ابراهیمی، شهرام (۱۳۸۴)، **کنگره‌های پنج سالانه پیش‌گیری از جرم و عدالت کیفری دستاوردها و دورنماها**، مجله‌ی حقوقی دادگستری.
- پرویزی فرد، آیت الله (۱۳۸۵)، **حمایت از شهود در قوانین کیفری و اسناد بین‌المللی**، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- توجهی، عبدالعلی (۱۳۸۸)، **اندیشه‌ی حمایت از بزه‌دیدگان و جایگاه آن در گستره‌ی جهانی و سیاست جنایی تقنینی ایران**، مجله‌ی علوم جنایی، تهران.
- دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان یافته ملل متحد (۱۳۸۸)، **بهترین راهکارها برای حمایت از شهود در پرونده‌های کیفری مربوط به جرایم سازمان یافته**، تهران: روزنامه رسمی.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۰)، **بزه‌دیده‌شناسی حمایتی**، تهران: نشر دادگستر.
- رئوفیان نائینی، حمید (۱۳۸۹)، **حمایت از شهود در چالش با حقوق دفاعی متهم**، مجله‌ی حقوقی دادگستری، شماره ۷۱.
- شایان، علی (۱۳۸۴)، **عدالت برای بزه‌دیدگان**، تهران: معاونت حقوقی و توسعه قضائی قوه قضائیه.
- صفاری، علی (۱۳۹۱)، **مقالاتی در جرم‌شناسی و کیفرشناسی**، تهران: نشر جنگل.
- غلامی، حسین (۱۳۹۰)، **عدالت ترمیمی**، تهران: نشر سمت.
- لوک والین (۱۳۸۵)، **قربانیان و شهود در حقوق بین‌الملل از حق حمایت تا حق بیان**، مترجم: حبیب زاده، توکل و جعفری، مجتبی، مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌الملل ریاست جمهوری، شماره ۳۴.
- مؤذن زادگان، حسنعلی و رئوفیان نائینی، حمید (۱۳۹۰)، **حمایت از امنیت شهود در فرآیند دادرسی کیفری**، فصلنامه‌ی دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۵۶.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۸۴)، **عدالت برای بزه‌دیدگان**، مجله حقوقی دادگستر.

### فرانسوی

- Christine Lazerges, **La victime sur la scene penale en Europe**, Collection: Voies du Christine Lazerges, droit (les), 2008.
- Natacha Bracq, **Analyse comparee de la participation des victims devant la Cour Penale Internationale et devant les juridictions penales des pays de tradition romano-germanique**, la Revue des droits de l homme [ En ligne], 4 /2013



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی